



منعطف چون طناب، بی‌شمار همچو سنگ و بخشنده مانند چوب

گپ و گفتی با معصومه پورطاهریان مؤلف مجموعه بازی با ابزارهای ساده

در گذشته ابزارهای کمی برای بازی وجود داشت؛ اما کودکان با ساده‌ترین مواد و وسایل همچون سنگ، چوب و خاک به خلق بازی‌های جذاب می‌پرداختند؛ بازی‌هایی که هنوز هم اگر به آن‌ها پرداخته شود، می‌توانند مخاطبان خود را جذب کند. معصومه پورطاهریان کوشیده است بخشی از این بازی‌های ساده را مجموعه سه جلدی بازی با ابزارهای ساده که شامل بازی با چوب، بازی با طناب و بازی با سنگ است گرد آورد. به بهانه شرکت این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد به گفت‌وگویی صمیمی با مؤلف نشستیم.

■ بازی چیست؟

بی تردید بازی انتزاعی از زندگی واقعی است؛ اما واقعاً نمی‌توان تعریف واحدی از بازی ارائه کرد. بازی از یک سو فعالیتی سرگرم‌کننده، لذت‌بخش، دل‌خواهی، و آزادانه تعریف می‌شود، و از سویی دیگر شکل‌دهنده نگاه هستی‌شناسانه ماست، و آن سوتر منشأ فهم و لذتی که در جایی دیگر به دست نمی‌آید. اما همه این تعاریف نقض‌کردنی‌اند. گاه بازی رمز میان خیال و واقعیت را در هم می‌شکنند، گاه فعالیتی عبث نیست، و گاه الزاماً لذت‌بخش هم نیست. حتی امروز دوگانگی میان «بازی کودکان» و «کار بزرگسالانه» هم در هم شکسته است.

■ با اینکه خارج از کشور زندگی می‌کنید، چه چیزی باعث شد به فکر تألیف کتابی درباره بازی‌های ایرانی بيفتید؟

تألیف این اثر را در ایران آغاز کردم و خارج از ایران به پایان رسید. من سال‌ها در گروه هنر، بازی و سرگرمی شورای کتاب کودک به عنوان منتقد کتاب و پژوهشگر فعالیت می‌کردم و در نهایت با تشویق یک دوست وارد حوزه تألیف کتاب شدم.

■ آیا قبلاً هم در موضوع بازی و سرگرمی تألیفی داشته‌اید؟

مجموعه‌ی بازی با ابزارهای ساده زودتر به چاپ رسید. هم‌زمان با آن کتاب «اهنمای انتخاب اسباب‌بازی» را تألیف کرده بودم که امیدوارم در آینده‌ی نزدیک وارد بازار کتاب شود.

■ به عنوان یک پژوهشگر جایگاه بازی با وسایل ساده را در ایران چگونه می‌بینید؟

نمی‌توانم اعتراف نکنم که این بازی‌ها رو به خاموشی‌اند؛ چون زندگی مدرن از بستر چنین بازی‌هایی فاصله گرفته است. تا روزی که رابطه و پیوندمان را با طبیعت جدی نگیریم، چنین بازی‌هایی هم به زندگی ما بازخواهند گشت. خوش‌بختانه دنیا به سمت دوستی با طبیعت بازمی‌گردد، هر چند غفلت از طبیعت و بی‌مهری به آن گاه مایوس‌کننده است.

■ بازی یا بازی‌های موردعلاقه خودتان در کودکی چه بود؟

بیش از هر چیزی بازی‌های خیالی را دوست داشتم. شاید انباری خانه‌ی پدری بهترین مکان برای بازی‌های من بود؛ چون انباشته بود از اشیای «هرچیز که خوار آید» که در عالم بازی‌های من اعتبار می‌یافتند. بعد از آن هیجان هفت‌سنگ و لیلی را دوست داشتم.

■ آیا مشکل خاصی در تألیف و انتشار این مجموعه داشتید؟

خوش‌بختانه برای نشر هیچ مشکلی نداشتم. بزرگ‌ترین مشکل من برای تألیف کتاب‌ها، پیدا کردن ساختار و فرم مناسب برای ارائه مطالب بود. محتوا به تنهایی کافی نبود و من وقت بسیاری را صرف این کردم که فرم در خدمت محتوا باشد.

■ تعامل ناشر در چاپ این مجموعه با شما چگونه بود؟

بی‌تردید نشر یکی از پایه‌های اساسی تولید یک اثر است. بدون یک ناشر همسو و حرفه‌ای نمی‌توان اثری شایسته را راهی بازار کتاب کرد. فقط دوست می‌داشتم با تصویرگران باذوق مجموعه حداقلی از تعامل را می‌داشتم. جا دارد که در همین جا از ناشر محترم قدردانی کنم.



بازی از یک سو فعالیتی سرگرم کننده، لذت بخش، و آزادانه تعریف می شود، و از سویی دیگر شکل دهنده نگاه هستی شناسانه ماست، و آن سوتر منشأ فهم و لذتی که در جایی دیگر به دست نمی آید

وقتی این بازی ها در برابر گذر زمان و تغییرات فرهنگ تاب آورده اند و گاه هزاره ها را پشت سر گذاشته اند، بی تردید سرشت اندیشیده ای دارند و با طبیعت زندگی سازگارند. اما اینکه آیا کودکان در میان گزینه های مختلف این بازی ها را انتخاب می کنند یا خیر، می توانم بگویم اصولاً چرا از کودکی که هیچ رابطه ای با طبیعت ندارد و رازهای آن را کشف نکرده است، انتظار داریم بازی های طبیعت انتخاب او باشند؟ اگر انتخاب های امروزین کودکان ناامید کننده است به ساختار بیمار زندگی امروز مربوط است نه انتخاب کودکان.

این یک مسئله جهانی است که بسیاری از کودکان امروز که در معرض بازی های پرشتاب الکترونیکی قرار دارند و دنیا را کند و کسالت بار می یابند، قادر به لذت بردن از بازی های ساده طبیعت نیستند. بازی با طبیعت وقتی اتفاق می افتد که بستر زندگی با شناخت و ادراک طبیعت و رازهای نهفته در آن همراه باشد. اگر کودکان بتوانند هیجان و شتابی را تجربه کنند که به درون خود آن ها مربوط می شود نه هیجان تصنعی و بیرونی بازی های الکترونیکی، بی تردید شاهد انتخاب های متفاوتی خواهیم بود. تأکید می کنم که من به هیچ وجه مخالف بازی های الکترونیکی نیستم. اما به نظرم هیچ کدام جایگزین آن دیگری نیستند.

■ چه توصیه ای برای مربیان و اولیای دانش آموزان در خصوص بازی و سرگرمی دارید؟

یک بزرگسال آگاه قادر است تجربه های متفاوت و ماندگار برای کودکان ایجاد کند. گاهی کودکان فقط به این دلیل به بازی می پیوندند که با معلم یا والدین خود هم بازی شوند و این بزرگترین فرصت برای کشف لذت هایی است که در دنیای امروز مورد غفلت واقع شده اند. زندگی مدرن باعث غفلت از طبیعت شده است. در عین حال همین دنیای مدرن به اخلاقیاتی دست یافته است که پیشینه ای در تاریخ نداشته اند. بی تردید ترویج دوستی با طبیعت و حیوانات، به دنیایی صلح آمیزتر و مهربان تر ختم می شود و بازی ها هم به سرشت طبیعی و انسانی نزدیک تر می شوند.

■ نظر شما درباره آینده بازی و اسباب بازی چیست؟ آیا کودکان و نوجوانان ایرانی با این بازی های ساده آشنی خواهند کرد؟

ما ناگزیر به خوش بینی هستیم. انسان اشتباه می کند، اما اشتباهات خود را تصحیح می کند. شتاب و رقابت زندگی امروز، زندگی را از بستر طبیعی خود خارج کرده است. من عمیقاً معتقدم انسان چاره ای ندارد جز این که با درخت و آب و زمین و کوه و حیوانات دوستی کند. دوستی آغازگر شناخت و ادراک طبیعت است و طبیعت بازی گر است. ما رفتار و منش خود را تصحیح خواهیم کرد. ما چاره ای نداریم جز آن که به رابطه و بازی های ناسالم خود با طبیعت پایان بدهیم، مگر آن که از این کره خاکی کوچ کنیم.

■ سخن آخر؟

امیدوارم این مجموعه مورد اقبال کودکان و مربیان قرار بگیرد و تلنگری باشد بر داشته های از دست رفته مان. از مجله رشد جوانه نیز به خاطر فرصت این گفت و گو قدردانی می کنم.

بی تردید بدون دقت و وسواس ناشر در ارائه اثری باکیفیت، من امروز مخاطب شما در این مصاحبه نبودم.

■ آیا در طی تولید این مجموعه اتفاق جالب توجهی هم افتاد؟

اتفاق هایی که افتاد بیشتر به درگیری های شخصی من با اثر مربوط می شد. هر قدر جلوتر می رفتم همه چیز سخت تر می شد. جلد طناب به سرعتی باور نکردنی نوشته شد. جلد سنگ در شش ماه، و جلد چوب زندگی را بر من مختل کرد. بازی های طناب را منعطف همچون طناب یافته بودم. بازی های سنگ را بی شمار مانند سنگ؛ و بازی های چوب رازش را به من نشان نمی داد. تا روزی که بازی های چوب را بخشنده و رویان، مانند درخت یافتم و توانستم نوشتن را شروع کنم.

■ با توجه به پرهزینه و پرزحمت بودن تولید آثار تألیفی، برگزاری جشنواره هایی نظیر جشنواره کتاب رشد را در ترغیب مؤلفان و ناشران به تولید این گونه آثار چگونه می بینید؟

به طور اختصاصی نمی توانم درباره جشنواره کتاب رشد نظر بدهم چون متأسفانه تاکنون بخت آن را نداشته ام که در این جشنواره شرکت کنم؛ اما بی تردید هیچ اثری بدون ترویج مناسب، هوشمندانه و هدفمند جایگاه واقعی خود را در میان مخاطبان نخواهد یافت. متأسفانه گاهی آثاری با ارزش هنری و ادبی و با پشتوانه سال ها پژوهش، آن طور که باید مورد توجه مخاطب آموزش ندیده قرار نمی گیرند. برعکس گاهی کتابی بدون داشتن چنین ویژگی هایی و حتی بدون تصحیح غلط های چاپی، به چاپ های متعدد می رسد. چنین مقایسه هایی نویسنده و ناشر را مأیوس می کند. اگر پدیدآورندگان بازار کتاب موظفاند مخاطب خود را جدی بگیرند و با صرف وقت و هزینه اثری درخور روانه بازار کتاب کنند، سیاست گذاران و مجریان صاحب اختیار نیز موظفاند که در ترویج و اعتبار بخشیدن به آثار ارزشمند بکوشند. یک اثر از طریق رسانه ها و جشنواره ها از خلوت یک نویسنده راه خود را به سمت زندگی اجتماعی خود باز می کند. یک جشنواره آگاه می تواند در بازبینی و بازتعریف ارزش ها و معیارهای حاکم بر دنیای فرهنگ و هنر، و ارتقای ذائقه مخاطب تعیین کننده باشد. کاری که بدون چنین پشتوانه ای، خارج از توانایی پدیدآورندگان و ناشران یا حداقل بسیار دشوار است. هر قدر یک جشنواره مستقل تر از تبعیض و سوگیری باشد، آثار وزین تر شانس بیشتری برای دیده شدن خواهند داشت.

■ آیا خاطرهای از انجام دادن بازی با ابزارهای ساده در کودکی در ذهن دارید؟

یادم می آید آینه ای که در خانه داشتیم برای من یک اسباب بازی ساده و در دسترس بود. یکی از بازی هایم با آینه این بود که آن را روی ساعدهایم می گذاشتم و به شکم خود می چسباندم. به جای زمین زیرپایم، تصویری از آسمان یا سقف خانه را در آینه می دیدم و راه می رفتم. تجربه هیجان انگیزی بود راه رفتن در آسمان یا روی سقف اتاق!

■ فکر می کنید کودکان و نوجوانان امروزی که گزینه های فراوان دیگری برای بازی دارند، تا چه حد بتوانند با این بازی ها ارتباط برقرار کنند؟

رشد جوانه
شماره ۶۱
پاییز ۱۳۹۷